

۱۰۰ روز بحرانی چارلز

سلطنت چارلز سوم در شرایطی ۱۰۰ روزگی خود را پشت سر می‌گذارد که انگلیس با طیف گسترده‌ای از بحران‌های داخلی روبه‌رو است

سلطنت «چارلز سوم» پادشاه انگلیس، دیروز ۱۰۰ روزه شد. بحران‌های سیاسی و تغییر نخست‌وزیر، اعتراض‌ها و اعتصاب‌های گسترده به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی و رسانه‌ای شدن اختلافات خانوادگی خانواده سلطنتی، از مهم‌ترین رویدادهای صد روزگی سلطنت چارلز سوم بوده است.

چارلز سوم که چندین دهه برای نخستین بر کرسی سلطنت در انگلیس انتظار کشید، ۳۰ ماه قبل در ۷۳ سالگی به جای ملکه الیزابت نشست. یکی از زود هنگام‌ترین تحولات سیاسی سلطنت چارلز، کناره‌گیری «لیز ترس» از نخست‌وزیری بود؛ آن هم تنها ۴۴ روز پس از ورود به دفتر نخست‌وزیری.

تراس پس از اینکه با اترانه طرح‌های جناحی اقتصادی، حمایت حزب محافظه‌کار را از دست داد، مجبور به کناره‌گیری از قدرت شد. حزب محافظه‌کار در نهایت «ریشی سوناک» را به عنوان جایگزین تراس انتخاب کرد تا نخست‌وزیری‌اش به تأیید چارلز برسد. سوناک اکنون در شرایطی سگان اداره انگلیس را در دست دارد که ناظران سیاسی با اشاره به عملکرد نه چندان موفق او برای عبور از بحران‌های سیاسی و اقتصادی، از ناکارآمدی دولت‌ها در چند سال اخیر انگلیس صحبت می‌کنند. دامنه بحران سیاسی در چند ماه گذشته به عرصه اقتصاد انگلیس نیز کشیده شده است؛ به طوری که بخش‌های مختلفی از جامعه از معلمان، رانندگان و پرستاران گرفته تا کارگران در اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی از هفته گذشته، دست به اعتصاب زده‌اند. گفته شده، گستردگی این اعتصاب‌ها که تا ۳ هفته آینده ادامه خواهد داشت، طی ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. با این حال جناحی‌های ترسین بخش تحولات انگلیس در ۳ ماه سلطنت چارلز سوم مربوط به اختلافات خانوادگی خاندان سلطنتی است که این روزها در کانون توجه رسانه‌های جهان قرار گرفته است. نقطه اوج این بحران انتشار مستند ۶ قسمتی توسط شرکت نتفلیکس از زندگی هری شاهزاده سلطنتی و همسرش مکان

و اختلافات این زوج با خانواده سلطنتی بوده است. گفته شده، افشای زندگی‌های این زوج با پرده که روزنامه دیلی میل این زوج را به سرنگونی خاندان سلطنتی متهم کرده است، روزنامه دیلی میور نیز در گزارشی با عنوان «این سیرک سلطنتی را متوقف کنید» نوشت: «جنگ در خانواده سلطنتی دوباره شعله‌ور شده است؛ این هم در شرایطی که مردم عادی با بحران افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی، دست‌وپنجه نرم می‌کنند.»

در پیچه

**ریشه ترامپیسیم در دهه ۱۹۹۰**  
ظهور ایده‌های راست افراطی در آمریکا پدیده‌ای است که ریشه‌هایش به دهه ۱۹۹۰ و ظهور چهره‌هایی چون «بیوکتن» بازمی‌گردد

۲ سال مانده به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، بحث درباره حضور دونالد ترامپ، سیاستمدار جناحی محافظه‌کار و راست‌گرای آمریکای این انتخابات داغ شده است. در این میان، برخی به دنبال پاسخ این پرسش هستند که ترامپیسیم چرا و چگونه ظهور پیدا کرد.

هفته‌نامه نیشن چاپ آمریکا، ریشه ترامپیسیم را در دهه ۱۹۹۰ می‌داند و می‌نویسد: از نگاه بسیاری سال‌ها ۱۹۹۰ در آمریکا، دهه‌ای تقریباً غیر سیاسی بود. جنگ سرد در سال ۱۹۸۹ به پایان رسیده بود و «فرانسس فوکویاما» نظریه پرداز سیاسی، این در آن زمان فوکویاما و دیگرانی چون او اطمینان دادند که عصر رقابت‌های ایدئولوژیک به پایان رسیده، لیبرال دموکراسی پیروز شده و هیچ جایگزینی هم ندارد. از نگاه ناظران، دنیای سیاست از این پس رقابت میان چپ میانه (بیل کلینتون) و راست میانه (جورج دبلیو بوش) بود. اما در همان دهه بود که سیاستمدارانی چون «پتریک بیوکتن» در عرصه سیاسی آمریکا ظهور کردند؛ چهره‌های سیاسی-رسانه‌ای به شدت محافظه‌کاری که ۲ دوره در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ در انتخابات شرکت کرد و شکست خورد. هفته‌نامه نیشن می‌نویسد: ایده‌های بیوکتن، ایجاد پلی میان ریگانیسم و ترامپیسیم بود. دونالد ریگان، رئیس‌جمهور جمهوریخواه سابق آمریکا با وجود اصلاحاتی که انجام داد، هرگز نتوانست طیف تندرو راست‌های افراطی را راضی کند، چون معتقد بودند که او بیش از اندازه مصالحه‌جو و به آن اندازه که باید به برتری سفید معتقد نیست. بیوکتن که به عنوان چهره‌های رسانه‌ای در تمام این سال‌ها به ترویج ایده‌های راست افراطی و برتری سفید در آمریکا متعهد بود، ایده‌های ریگان را به نسخه افراطی‌تر آن یعنی نظریات دونالد ترامپ پیوند زد. او در سال ۲۰۱۵ در مصاحبه‌ای با واشنگتن پست اعلام کرد که دونالد ترامپ، تاجر آمریکایی وارث سیاسی اوست. بیوکتن گفت که تقریباً از تمام ایده‌های ترامپ از جمله سیاست‌های حمایت گرایانه، خروج آمریکا از پیمان‌های چند جانبه، ساخت دیوار مرزی و خارج کردن آمریکا از جنگ‌های ناخردانه و غیر ضروری حمایت می‌کند. اما آنچه فضا را برای قدرت گرفتن ترامپ مهیا کرده بود، حمایت میانه‌روهای ۲ حزب دمکرات و جمهوریخواهان از جبهه‌های سیاسی بود. بیوکتن می‌گوید: «ترامپ میراث‌دار هتسدارهایی است که ما در دهه ۱۹۹۰ مطرح می‌کردیم؛ همان هتسدارهایی که دادیم، امروز محقق شده است. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ آمریکا ۵۵ هزار کارخانه و ۶ میلیون شغل تولیدی را از دست داده است.»



بین‌الملل



کادر گرافیک: یاسر عرفات

الحاق در کمین کرانه باختری

با قدرت‌گیری گروه‌های راست افراطی در تل آویو، موضوع الحاق کرانه باختری به دیگر مناطق اشغالی تحت کنترل صهیونیست‌ها، جدی‌تر شده است

گزارش ۱

در اواخر تابستان سال ۱۹۹۳ یاسر عرفات، به عنوان رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، در حیاط کاخ سفید پای توافقی به نام «معاهده اسلو» را امضا کرد تا خیالش راحت شود که نظامیان صهیونیست از کرانه باختری عقب‌نشینی خواهند کرد و این منطقه به عنوان حداقلی‌ترین بخش از سرزمین فلسطین، برای فلسطینی‌ها باقی خواهد ماند. ۳۰ سال بعد از امضای این توافق، نه تنها اشغال کرانه باختری پایان نیافته، بلکه صدها دیگری در تل آویو به گوش می‌رسد که به دنبال الحاق تمام کرانه باختری به دیگر مناطق اشغالی هستند.

این صدها با قدرت‌گیری جریان راست افراطی در نتیجه انتخابات پارلمانی اخیر در تل آو شدت گرفته است؛ صدهایی که از گلو «ایتمار بن گویر» و «بزال اسموتیچ» به عنوان تندروترین اعضای کابینه آتی نامیده می‌شوند. این ۲ قرا است در کابینه جدید رژیم صهیونیستی، پست‌های وزارت امنیت داخلی و وزارت دارایی را در دست بگیرند. کنترل نیروهای امنیتی و پلیس در دست وزارت امنیت داخلی است.

به طور کلی نه بن گویر و نه اسموتیچ، اعتقادی به حقوق فلسطینی‌ها در کرانه باختری ندارند و بارها در تبلیغات و سخنران خود از الحاق کرانه باختری به دیگر مناطق اشغالی دفاع کرده‌اند. واشنگتن پست در گزارشی درباره طرح‌های اسموتیچ اخیر در تل آو نوشت: «به دنبال الحاق کرانه باختری، اخراج شهروندان عرب از مناطق تحت کنترل اسرائیل و ایجاد پروتکل‌ها و قوانین جدیدی است که به سنگ پرتاب می‌کنند، بدون نگرانی از تبعات قضایی یا گلوله جنگی به آنها شلیک کنند تا زمانی که روند تسلط اسرائیل بر کرانه باختری تکمیل شود.» روزنامه تایمز اسرائیل، آماری منتشر کرده که نشان می‌دهد، هم‌اکنون حدود ۶۰ درصد از رأی‌دهندگان اسرائیلی خود را راست‌گرایان می‌دانند. قبلاً در سال ۲۰۱۹ حمایت از راست‌های افراطی فقط ۴۶ درصد بود. آمار حمایت از افراط‌گرایان در میان نسل جوان بسیار بیشتر شده و ۷۰ درصد از جوانان صهیونیستی از بنیادگرایی و افراط‌گرایی صهیونیستی حمایت می‌کنند. همین افزایش گرایش به تندروها باعث شده تا وضعیت آینده کرانه باختری بیش از هر زمان دیگری در خطر باشد.

حقوق نابرابر  
روند اشغال کرانه باختری پس از جنگ‌های سال ۱۹۶۷ آغاز شد. براساس آمار مؤسسه واشنگتن، هم‌اکنون بیش از ۶۷۰ هزار صهیونیست در کرانه باختری در شهرهایی که با بلوک‌های سیمانی از دیگر مناطق کرانه باختری جدا می‌شوند، ساکن هستند. از این تعداد، ۲۲۰ هزار نفر در قدس شرقی به عنوان منطقه‌ای که قرار بود پایتخت فلسطینی‌ها باشد، ساکن هستند. جمعیت کل فلسطینی‌های کرانه باختری نیز ۲ میلیون و ۷۴۷ هزار نفر است.

از نظر حقوقی اما میان فلسطینی‌ها و صهیونیست‌های ساکن در کرانه باختری، اختلافات بسیار اساسی وجود دارد. ویوین واینمن، وکیل دادگستری در لندن و از یهودیان سرشناسی که سابقه ناآرامی‌های کنگره جهانی یهودیان را نیز دارد، به تبعیض نژادی آشکار در کرانه باختری اذعان دارد. او در وب سایت JewishNews می‌نویسد که نابرابری فاحشی از نظر حقوقی میان فلسطینی‌های ساکن در کرانه باختری با شهرک نشینان اسرائیلی وجود دارد. او این نابرابری را ناشی از آن می‌داند که برخورد قضایی با فلسطینی‌های ساکن در مناطق اشغالی کرانه باختری در دادگاه نظامی و تحت شرایط ویژه قوانین جنگی انجام می‌شود. این وضعیت قانونی به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا کوچک‌ترین

الحاق کرانه باختری به چه معنی است؟

مکت  
صرف نظر از انتقادات و مواضع گسترده جامعه بین‌المللی علیه الحاق و اشغال کرانه باختری، اما اگر کابینه جدید تل آویو به دنبال الحاق رسمی کرانه باختری باشد، پیش‌بینی می‌شود این اقدام در گام اول مربوط به ۲۲ شهرک غیر قانونی باشد. این شهرک‌ها و مناطق اطراف آن به صورت رسمی به بخشی از مناطق تحت اشغال رژیم صهیونیستی تبدیل خواهند شد. این بدان معناست که برای ساکنان این مناطق سند رسمی صادر می‌شود. هم‌اکنون، ساخت‌وساز و منطقه‌بندی در کرانه باختری مستلزم تأیید وزیر جنگ و نخست‌وزیر است و این روند ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد، اما پس از الحاق، این امر تبدیل به یک موضوع محلی خواهد شد و در نتیجه ساخت و سازها در شهرک‌های کرانه باختری به طرز انفجاری افزایش خواهد داشت.

تحلیل  
تحرك فلسطینی‌ها، از جمله گرفتن سنگ در دست را به عنوان تهدید جنگی به شمار آورده و مجازاتی سرحد زندان‌های بلندمدت را برای آنها رقم زد. مضاف بر آن، فلسطینی‌ها در این وضعیت، دسترسی سخت‌تر و بسیار محدودی به کلین دارند. این در حالی است که صهیونیست‌های ساکن شهرک‌ها، تحت قوانین عادی حقوق شهروندی قرار دارند و حتی مجوز حمل سلاح نیز برای آنها صادر می‌شود.

واینمن در گزارش خود همچنین می‌افزاید: ادامه شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری باعث شده تا صهیونیست‌ها هم‌اکنون حدود ۶۰ درصد از اراضی کرانه باختری را زیر سلطه خود داشته باشند. همچنین با وجود آن که دادگاه عالی اسرائیل در سال ۱۹۷۹، تصاحب و مصادره زمین‌های فلسطینی‌ها برای استفاده شهرک نشینان را غیرقانونی اعلام کرد، اما از آن زمان مسیر متفاوتی برای گسترش منطقه C (منطقه تحت کنترل صهیونیست‌ها در کرانه باختری) دنبال شده که در چارچوب آن، ارتش رژیم صهیونیستی ده‌ها هزار هکتار زمین را به بهانه تأمین امنیت صاحب کرده است. این زمین‌ها در گام بعدی به شهرک‌سازی اختصاص می‌یابند.

الحاق خزنده

روند الحاق کرانه باختری اگرچه ممکن است با به قدرت رسیدن افراط‌گرایان صهیونیست شتاب یابد اما گزارش‌ها نشان می‌دهد که از سال‌ها قبل، حتی پیش از قدرت‌گیری تندروها در تل آویو، رهبران اسرائیل روند خزنده و تدریجی الحاق ۴۰ درصد باقی مانده کرانه باختری را دنبال می‌کردند. براساس گزارش‌های المانیوتور، ارتش اسرائیل از سال‌های گذشته حدود ۱۸ درصد از مناطق باقی فلسطینی‌ها را به عنوان مناطق خطر تحت کنترل ویژه در آورده و خطر الحاق این بخش‌های کرانه باختری با تأیید دادگاه‌های تل آویو بسیار زیاد است. حکم ماه پیش دادگاه عالی رژیم صهیونیستی برای اخراج اجباری ۱۲۰۰ فلسطینی در بخش بزرگی از منطقه «مسافر پاتا» در جنوب کرانه باختری نیز به بهانه ایجاد منطقه نظامی بسته صورت گرفت. براساس گزارش المانیوتور، این شیوه تدریجی الحاق راهی برای کاهش انتقاد‌های بین‌المللی از تل آویو است، هر چند همچنان جامعه بین‌الملل فعالیت‌های اسرائیل در کرانه باختری را تحت عنوان اشغالگری می‌شناسد.

نقل قول



**نتائیا هو به اجبار به توافق تن داد**  
نعیم قاسم، معاون دبیرکل حزب الله لبنان: اسرائیلی‌های غاصب به دلیل شکست‌های قبلی‌شان علیه توافق ترسیم مرزهای دریایی هذیان‌گویی کردند و در رأس هذیان‌گوهایی تل آویو، بنیامین نتائیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل قرار دارد که پس از یاهو گویی‌هایش درباره توافق مرز دریایی، مجبور شد به این توافق تن دهد. (المیادین)



**زمان مذاکره در اوکراین نرسیده**  
جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا: نمی‌دانیم که وضعیت مذاکرات اوکراین و روسیه به کجا خواهد رسید، آنچه می‌دانیم این است که وظیفه ماست که به حمایت نظامی خود از اوکراین ادامه دهیم تا آنها در بهترین وضعیت ممکن در میدان نبرد قرار گیرند. هرگاه فرصت دیپلماسی پیش آمد، آنها در بهترین موقعیت ممکن بر سر میز مذاکره حاضر خواهند شد، ولی هنوز زمان آن نرسیده است. (راشا تودی)



**ترامپ بچه بود**  
چاک شومر، رئیس دمکرات‌های سنای آمریکا: نانسی پلوسی می‌دانست که چطور او پس ترامپ بر بیاید، چون او در ۳۵-۴۰ سال اول زندگی‌اش ۵ بچه بزرگ کرده و می‌دانست که چطور با کودکان کنار بیاید. همین مسئله در رابطه با ترامپ هم به او کمک کرد، چون ترامپ هم بچه بود! (اس‌ان‌ان)

خبر

سرمای انتخابات در تونس

انتخابات پارلمانی تونس شنبه (دیروز) در سایه سنگین تحریم احزاب سیاسی مخالف برگزار شد. کمیسیون عالی انتخابات تونس تأیید کرده که مشارکت در این انتخابات کم بوده است. دولت تونس از ۹ میلیون نفر واجد شرایط برای شرکت در انتخابات پارلمانی، هزار و ۵۸۸ نامزد را تأیید کرده است. به گزارش الجزیره، انتخابات شنبه تازه‌ترین بخش از اقدامات ویژه‌ای است که «قیس سعید» رئیس‌جمهور این کشور از حدود یک سال و نیم قبل آغاز کرد و طی آن شورای عالی قضایی و پارلمان را منحل کرده، قوانین جدید ریاستی را صادر کرد و از طریق همه‌پرسی ۲۵ جولای ۲۰۲۲، حق قانون اساسی تازه بنا نهاد. شمار زیادی از جریان‌های سیاسی تونس این اقدامات را تحکیم حکومت مطلقه فردی قیس سعید دانستند. برخی دیگر هم آن را برخلاف روند انقلاب ۲۰۱۱ می‌دانند که زین‌العابدین بن علی را سرنگون کرد. شماری از احزاب و نیروهای مهم سیاسی از جمله جنبش اسلامی النهضة، قلب تونس، ائتلاف کرامت، جنبش اراده تونس، امل، جمهوری، کارگران، قلب و جریان دمکراتیک، تشکل دمکراتیک برای کار و آزادی، آفاق و حزب قانون اساسی از ادانتخابات را تحریم کردند.

کیوسک



روزنامه وال استریت ژورنال (آمریکا)

بودجه بی سابقه نظامی ژاپن  
ژاپن از بزرگ‌ترین بودجه نظامی خود بعد از جنگ جهانی دوم رونمایی کرده است؛ بودجه‌ای که ۳۲۰ میلیارد دلار بر آورد می‌شود. این بودجه شامل خرید موشک‌هایی است که توانایی اصابت به خاک چین را دارند و ژاپن را برای درگیری‌های احتمالی آماده می‌کند. بودجه‌ای که از سوی فومیدا کیسیدا، نخست‌وزیر ژاپن پیشنهاد شده، به لحاظ صرف هزینه‌های نظامی، ژاپن را بعد از آمریکا و چین در رتبه سوم جهان قرار می‌دهد. او گفته که ژاپن و مردمش در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارند و افزایش هزینه‌های نظامی پاسخ او به چالش‌های امنیتی گوناگون است. این اقدام در چارچوب بازبینی راهبردهای امنیتی-نظامی دولت جدید ژاپن و با هدف مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای کره شمالی و چین انجام می‌شود.

تحریم روسیه؛ خودزنی اروپا

تبعات اقتصادی-اجتماعی تحریم‌های بروکسل علیه مسکو؛ جمله قدرت گرفتن جریان‌های راست افراطی، امنیت اروپا را نشانه رفته است

گزارش ۲

اتحادیه اروپا از تصویب بسته بزرگ تحریم‌های جدید این اتحادیه علیه روسیه خبر داده است؛ تحریم‌هایی که به گفته اروپایی‌ها، قرار است ماشین جنگی روسیه را از ریل خارج کند، اما ناظران هشدار می‌دهند که بسته‌های تحریمی بروکسل علیه مسکو عملاً به مثابه شلیک به خود است.

بنابر اعلام کمیسیون اروپا، نهمین بسته تحریمی اروپا علیه روسیه شامل ۲۰۰ نهاد و شخص مرتبط با صنعت نظامی این کشور می‌شود. این تحریم‌ها شامل نیروهای مسلح، صنایع دفاعی، اعضای مجلس دوما، وزرا، احزاب حامی ترامپ، دست‌نشانده روسیه در مناطق اشغالی اوکراین است. در گزارش شورای اروپایی آمده، تحریم‌های جدید علاوه بر ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، سرمایه‌گذاری‌های جدید اتحادیه اروپا در بخش معدن روسیه را نیز شامل می‌شود. وب سایت تحلیلی پراچکت سنديکيت، با اشاره به تحریم‌های جدید اروپا علیه روسیه می‌نویسد: «تبعات اقتصادی و اجتماعی تحریم‌های اروپا علیه روسیه می‌تواند به‌سوی خود بروکسل بازگردد. تحریمی اروپا علیه مسکو، تلاش برای از بین بردن وابستگی به گاز روسیه است؛ از جمله با اتکا به گاز مایع (LNG) وارداتی از آمریکا. اما واقعیت این است



شده، به تورم در اروپا دامن زده و بازارهای مالی منطقه یورو را بی ثبات کرده است؛ بنابراین، درست زمانی که اقتصاد‌های اروپایی در حال کوچک شدن هستند، هزینه‌های زندگی نیز به شدت افزایش یافته و خطر قطعی برق آن هم در فصل زمستان بیشتر شده است. در این میان اتخاذ تدابیری چون تعیین سقف قیمت برای انرژی روسیه توسط سیاست‌گذاران در بروکسل می‌تواند وضعیت وخیم اقتصادی اروپا را تشدید کند. گفته شده، هم‌اکنون برخی از کشورهای اروپایی برای صرفه‌جویی در مصرف گاز به استفاده از زغال سنگ روی آورده‌اند. برخی ناظران تحریم‌های اروپا علیه روسیه را با قانون تعرفه «اسموت هاولی» آمریکا در سال